



## محمود صدیقی - اقتصاد دان

فقدان لوازم اقتصاد خصوصی، مداخله‌گرایی و حمایت‌گرایی دولت است که ایرانیان در سراسر سال ۱۳۹۷ با یکی از عریان‌ترین چهره‌های آن مواجه شدند و نتایج زیانبار آن را به چشم دیدند و با تمام وجود حس کردند.

دولت و ملت ایران از چندی پیش وارد یکی از دوران‌های سخت اقتصادی شده‌اند و به کوششی در خور عبور از این دوران و گام نهادن به وادی آسایش نیاز دارند. وجوه فنی اقتصاد ایران و چندی‌چون گرفتاری‌های آن در سال ۱۳۹۷ در یک سال گذشته مکرر مطرح شده و اقتصاددانان و کارشناسان درباره آن سخن‌ها گفته‌اند.

بنابراین در این جمع بندی آخر سال برای جلوگیری از اطاله کلام، از تکرار آنها پرهیز می‌کنیم و صرفاً به جنبه‌های اخلاقی اقتصاد و چرایی وضع کنونی از این منظر می‌پردازیم که طرح آن در موسم بهار و فرا رسیدن سال نو هم موضوعیت بیشتری دارد.

-اتاریخ همه ملت‌ها، داستان سختی‌ها و تلخ‌کامی‌ها و در عین حال، گشایش‌ها و شادکامی‌هاست. در همه زبان‌ها تعابیری معادل «شدت و فرج» یا «گرفتاری و گشایش» وجود دارد و سروده‌های نامیدی و امیدشان در این دو لفظ خلاصه شده است. اما مسلمانان نخستین جماعتی بودند که نویسنده‌ای از میان ایشان برخاست و این الفاظ را عنوان کتابی کرد و در آن داستان‌هایی درباره نجات یافتگان نوشت و در آنها توضیح داد که قهرمانان نجات یافته‌اش با تمسک به فضایل انسانی و مکارم اخلاقی از مهلکه‌ها رهیده‌اند و به ساحل امن رسیده‌اند. در قرن چهارم هجری که قاضی ابوعلی مَحَسَن بن علی تنوخی کتاب «الفرج بعد الشده» یا گشایش پس از سختی را نوشت، تمدن اسلامی در میانه دوران شکوهش بود و کتابش، دست کم به تصریح، در باب ملکداری و گرفتاری‌های حکومت نبود، بلکه در باب شادان زندگی خصوصی افراد بود و در آن آموزش می‌داد که رستگاری بشر در گرو توکل او به خداوند و اهتمام برای بسامان کردن کارها با تدبیر و در پرتو خلق نیکوست. قهرمانان بلا دیده این کتاب، آن‌گاه که راه صواب پیشه می‌کردند از بلا می‌رهیدند و آن‌گاه که راه خطا می‌رفتند هلاک می‌شدند.

۲- خلق نیکویی که مولف «الفرج بعد الشده»، آن را اکسیر خلاصی از بلایا می‌داند، در اقتصاد مدرن، ذیل مفاهیم «اخلاق اقتصادی» و «اقتصاد اخلاقی» قرار می‌گیرد که بسی فراتر از خوشرویی‌ها و مهربانی‌های متعارف است. منظور از اخلاق اقتصادی، پایبندی کنشگران اقتصادی به ارزش‌ها و صفات همسنگ و سازگار است. از دیرباز، حلقه مفقوده اقتصاد ایران ناسازگاری میان ارزش‌ها و لوازم آن بوده است و به نظر می‌رسد عمیق شدن شکاف میان این دو، اقتصاد را اندک اندک به سوی ناکارآمدی بیشتر کشانده است. مثلاً، حکومت ایران سه دهه پیش به این جمع بندی رسید که اقتصاد دولتی تکافوی نیازهای کشور را نمی‌کند و گام‌هایی به سوی خصوصی سازی برداشت. اقتصاد خصوصی مبتنی بر بنیان‌هایی ارزشی مانند آزادی عمل کنشگران اقتصادی، حق مالکیت، حق انتفاع و تمتع از مالکیت و حق انتقال مالکیت به غیر است. اما با وجود حمایت رسمی از این ارزش‌های اقتصاد خصوصی، لوازم و محمل‌های همسنگ آن پدید نیامد و آن حقوق اقتصادی پیش گفته را به حقوق غیرقابل استیفا تبدیل کرد. لوازم اقتصاد خصوصی، منطقی و عملاً عبارتند از: حق برخورداری از امنیت دارایی در برابر دست اندازی دیگران و رقابت در میدان عمل عادلانه و ذیل قواعد همه شمول. این لوازم و مکمل‌های اقتصاد خصوصی، تا حدودی در قوانین ایران تعبیه شده است و مقام‌های رسمی هم مدام در باب فواید آن سخن گفته‌اند؛ اما در مقام عمل و اجرا، این تمهیدات قانونی به طرز شایسته و بایسته حضور نداشته‌اند.

۳- فقدان لوازم اقتصاد خصوصی و آزادی کسب و کار در ایران دو وجه کلی دارد که هر دو ریشه در کنش‌های دولت دارد. وجه نخست، تهاجم‌های تبلیغاتی سیاستمداران و حامیان غیردولتی آنها به اهالی کسب و کار یا به اصطلاح «سرمایه داران» است که گاه رنگ افترا به خود می‌گیرد و از مصادیق عمل مجرمانه است. هر گاه عرصه اقتصادی تنگ‌تر می‌شود و استیصال تهیدستان فزونی می‌گیرد، اقوال و اعمال سرمایه ستیزانه سیاستمداران و حامیان آنها هم بیشتر می‌شود و گناه همه ناکارآمدی‌ها به گردن اقتصاد آزاد انداخته می‌شود. «نئولیبرالیسم»، تازه‌ترین دشنامی است که تواتر کاربرد آن در ماه‌های اخیر بیشتر شده و تلاشی بزرگ به راه افتاده تا با تمسک به آن، مطالبه آزادی کسب و کار به هزیمت واداشته شود. در سال‌های اخیر، همه موارد فسادهای اقتصادی برملا شده، بدون استثنا، حاصل رانت‌های دولتی و عدول از «رقابت در میدان عمل عادلانه» و ذیل قواعد همه شمول» بوده است؛ اما در همه این موارد هم کنشگران بازار و اقتصاددانان مدافع آزادی اقتصادی سرزنش شده‌اند و گناه «آهنگران بلخی» به پای این «مسگران شوشتری» نوشته شده است. بخشی از وضعیت اقتصادی امروز ایران حاصل همین بدکیشی‌ها و کنار نهادن خلق نیکوی اقتصادی است.

وجه دیگر فقدان لوازم اقتصاد خصوصی، مداخله‌گرایی و حمایت‌گرایی دولت است که ایرانیان در سراسر سال ۱۳۹۷ با یکی از عریان‌ترین چهره‌های آن مواجه شدند و نتایج زیانبار آن را به چشم دیدند و با تمام وجود حس کردند. بخش بزرگی از منابع اقتصادی کشور، به اقتضای وضع مالکیت در ایران، در اختیار دولت است و طبعاً دولت مالک آنها نیست، بلکه امانتدار آنهاست؛ اما نحوه تصمیم‌گیری دولت درباره این منابع از جنس تصرف مالکانه و خارج از دایره ارزش‌های اقتصاد آزاد و لوازم آن بود. قیمت‌گذاری‌های برآمده از مداخله‌گرایی و حمایت‌گرایی، که آشکارترین شکل آن در قالب عرضه دولتی دلار و طلا رخ داد، از مصادیق عمل ناصواب و رویگردانی از خلق نیکوی اقتصادی بود که کیفر آن در سیمای کیمیایی کالاها و افزایش قیمت آنها بروز یافت.

حال که سال ۱۳۹۷ رو به پایان است و آثار رویگردانی از خلق نیکوی اقتصادی باقی است و «شدت» اقتصادی بر روزگار ایرانیان چیره شده است، اخلاق اقتصادی حکم می‌کند که دولت ایران هم پا به پای بهار، نو شود و با جاری کردن خلق نیکوی اقتصادی، راهی به سوی «فرج» اقتصادی بگشاید. سازوکارهای فنی برآمدن و فروشدن شدت و فرج را اقتصاددانان بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند.